فاطمه ای که الگوی وحدت بود!

حضرت زهرا (س) فرزند رسول ا (ص) بودند و همچنين همسر حضرت علي (ع)، اما خودشان هم مشخصا سيره عبادي و سياسي خاص خويش را داشتند. مقداري از اين سيره عبادي و سياسي را براي ما توضيح مي‌دهيد؟

البته ما دختر پيامبر اكرم (ص) بودن را ارزش اصلي فاطمه زهرا(س) مي‌دانيم چون پيامبر بهانه خلقت و هستي و آفرينش است و اين تنها فرزند و دختر آن پيامبر بزرگوار و تنها يادگار ايشان است.
بنابراين ايشان ارزش اصلي‌شان به اين شخصيت است اما به‌هرحال صرف دختر پيامبر اسلام بودن ارزش نيست. خود فرد هم بايد ارزش‌هاي ذاتي داشته باشد كه حضرت زهرا(س) تمام اين ارزش‌ها را داشته است. ارزش ذاتي و شخصي خود حضرت زهرا (س) هم باعث شده است كه رشد و كمال ايشان به مرتبه ظهور و بروز برسد.

سيره حضرت زهرا (س) امروزه چه كمكي مي‌تواند به ما كند و مشخصا چگونه مي‌توانيم براي زندگي امروزمان الگوبرداري كنيم؟

اولا اصل ارزش زندگي هر كسي جواني‌اش است و هر كس در جواني هرچه باشد، در نهايت عمرش هم همان جواني را ادامه مي‌دهد. حضرت زهرا(س) اين مرحله جواني‌شان را به‌شدت درك كرده و درست عمل كردند، درست زندگي كرده، تعليم داده، كار تربيتي فرزندان‌شان را انجام داده و با همسر بزرگوارشان درست رفتار كردند بنابراين مهم نيست كه حضرت زهرا (س) 70 سال داشتند يا 20 سال. مهم اين است كه در اوج جواني كه اوج توانايي هم است، فرد بتواند خودش را پايبند به اخلاق الهي كند درست مانند همان كاري كه حضرت زهرا (س) انجام دادند و در آن عمر كوتاه‌شان نشان دادند كه مي‌توانند سمبل و اسوه و الگو براي نيمي از جامعه ما كه زنان هستند، باشند يعني پيامبر اكرم (ص) اسوه و الگوي جامعه بشري بودند و حضرت زهرا (س) هم الگوي زنان جهان و سيدين عالمين بودند. بنابراين الگو بودن ايشان درس ماندگاري است كه براي هميشه بشريت وجود دارد.

از يك طرف حضرت زهرا (س) سيره عبادي خاص خودشان را داشتند و از طرف ديگر فعاليت‌هاي اجتماعي خودشان را پي مي‌گرفتند. آيا به نظر شما اين سيره عبادي مانعي بر سر راه فعاليت‌هاي اجتماعي نبوده است؟ سيره حضرت زهرا(س) چگونه نشان مي‌دهد كه اين دو با هم قابل جمع است؟

براي اينكه اصل دين و آيين و اعتقاد ما بر اين است كه ديانت ما و سياست ما يكي است و زندگي اجتماعي و زندگي شخصي از يكديگر جدا نيستند. حضرت زهرا (س) هم به عنوان يك مسلمان مسجد برايش هم محل عبادت است و هم اردوگاهي كه پيامبر لشكر را از آن طرح‌ريزي فرمودند. بنابراين مسجد هم پايگاه جنگ و مسائل نظامي است و هم پايگاه عبادت و هم محل سخنراني و روشنگري و خطبه‌ها و ملاقات‌هاي پيامبر و ملاقات با پادشاهان جهان بوده است. مسجدي كه محل عبادت بوده، در عين حال محل سياست و تجهيز ارتش و... هم بوده است. بنابراين سياست ما با ديانت ما هيچ فاصله‌اي ندارد و حضرت زهرا (س) هم زندگي عبادي و فردي‌شان از زندگي اجتماعي و سياسي‌شان جدا نبوده و همه آنها در ابعاد و تكميل‌كننده ابعاد يك شخصيت بوده‌اند.

قبل از مبعوث شدن پيامبر اكرم (ص) شاهد هستيم كه جايگاه زن در جامعه عربستان آن دوران، جايگاهي بسيار پايين و شكننده است. بعد از آن است كه مي‌بينيم كه حضرت زهرا (س) چه در زمان پيامبر اكرم (ص) و چه در زمان حضرت علي(ع) دوشادوش آنها در فعاليت‌هاي اجتماعي شركت مي‌كنند. با توجه به اينكه مباني اسلامي را هم در اوج خودشان داشته‌اند. چگونه مي‌توان الگويي براي جامعه امروز ما باشد؟

اصلا شايد مصلحت اين بوده است كه در جامعه‌اي كه زن و دختر اينقدر تحقير مي‌شدند، پيامبر(ص)

اينقدر به فرزند و دختر خودشان احترام قايل مي‌شدند و جايگاه زن را در جامعه نشان مي‌دادند. پيامبر اكرم (ص) هر موقع مي‌خواستند وارد شوند به فاطمه‌زهرا (س) سلام مي‌كردند و هر موقع هم مي‌خواستند به سفري بروند خداحافظي مي‌كردند. جملاتي كه پيامبر عظيم‌الشأن اسلام در حق دخترشان مي‌گفتند نشان‌دهنده اين است كه مي‌خواهند جايگاه زن را در جامعه ارزشگذاري كنند و درحقيقت مصلحت بوده است كه ايشان هم بتوانند چنان پوشش فكري و معنوي‌اي را در جامعه به زنان بدهند كه باور كنند زنان مي‌توانند به چنان شأني برسند كه پدرشان اين‌طور درباره آنها صحبت كنند و از طرف ديگر هم بتوانند پاسخ رفتار زشت عرب‌هاي جاهلي با زنان را داده باشند. بنابراين مي‌توان گفت كه مصلحت خداوند بوده كه پيامبر فرزند پسري نداشتند و تنها دخترشان الگو و اسوه زنان جهان شود و احترام و محبت پيامبر به اين دختر، جايگاه زن را در جهان آن روز تبيين مي‌كند.

اگر بخواهيم در مورد مطالعاتي كه در سيره زندگي حضرت زهرا شكل گرفته صحبت كنيم، مي‌توانيم از سه جهت بررسي كنيم؛ يكي آن چيزي كه در عالم تشيع بوده است، ديگري آن چيزي كه اهالي سنت انجام داده‌اند و سوم هم تحقيقاتي كه غربي‌ها در مورد حضرت زهرا(س) انجام داده‌اند. به نظر شما اين روند چگونه بوده است؟ در كجاها بيشتر كار شده، كجاها عمق بيشتري داشته است؟ آيا جهت‌گيري‌هاي خاصي هم بوده است؟ به طور كلي اين تحقيقات را چگونه مي‌بينيد؟

به نظر من همه در اين نكته مشترك هستند كه حضرت زهرا (س) فرزند برجسته پيامبر است و محققان شيعه و سني و غرب‌شناسان بدون غرض همگي به اين نتيجه رسيده‌اند و نتيجه تحقيقات يكي است. منتها وسعت و ذيلش فرق مي‌كند و دايره ديد افراد نسبت به دختر مكرم پيامبر با يكديگر تفاوت دارد. بعضي‌ها مانند شيعيان مقام خيلي درست‌تري براي ايشان قايل هستند مانند آن فرمايش حضرت امام (ره) كه فرمودند با رحلت پيامبر، وحي بين آسمان و زمين قطع نشد و براي حضرت زهرا (س) هم پيام الهي صادر شد. اين اعتقاد ناب شيعي است جايگاه حضرت زهرا (س) را مشخص مي‌كند. اهل سنت هم انصافا در مورد حضرت زهرا (س) كوتاهي نكردند و شأن آن بزرگوار را در چارچوب ديدگاه‌هاي خودشان كاملا بجا مي‌دانند و قبول دارند.

به نظرتان در چه جاهايي در مورد معرفي حضرت زهرا (س) نقطه قوت داريم و در چه جاهايي نقطه ضعف داريم و اگر در اين زمينه كتاب يا تحقيقات خوبي صورت گرفته باشد، آيا مي‌توانيد نام ببريد؟

تحقيقات بسيار زيادي در مورد حضرت زهرا (س) انجام شده است. كتاب‌هاي خوبي هم نوشته شده است. يكي از بهترين كتاب‌ها، «بانوي نمونه اسلام» آيت‌ا... اميني است كه از زمان قبل از انقلاب چاپ مي‌شده و

چاپ آن همچنان هم ادامه دارد و هر سال هم که مي‌گذرد، اين كتاب باز هم جايگاه و ارزش خودش را دارد. كتاب‌هاي زياد ديگري هم درباره حضرت زهرا(س) نوشته شده است اما ما بايد بيشتر الگوي تربيتي و عملي را گسترش دهيم. ما اگر هزار بار هم صفات حضرت زهرا (س) را خوانده، نوشته و ديده باشيم، اگر 10 درصد از اين صفات را در جامعه پياده كنيم، بهتر است. اين معادل همان شعر در فارسي است كه «دو صد گفته چون نيم كردار نيست». ما بايد زن‌ها و فرزندان‌مان را در جامعه مثل حضرت زهرا(س) و با همان مشي تربيت كنيم. ما بيشتر از اينكه خواهان توسعه علمي و گسترش مفاهيم راجع به حضرت زهرا (س) باشيم، بايد در پي تربيت نسلي باشيم كه به آن حضرت معتقد علاقه‌مند باشند و فرمانبردار تفكر آن حضرت باشند و پيروي كنند. هر چه بحث را به عمل و تربيت اخلاقي در آن سيره نزديك‌تر كنيم، بيشتر مفيد فايده خواهد بود تا بحث‌هاي نظري در مورد ايشان گسترش پيدا كند. البته آن هم در جايگاه خودش لازم است اما اين ضروري‌تر است.

به بحث‌هاي عملي اشاره كرديد. به نظر شما پيش‌نياز و موفقيت بيشتر در اين حوزه چيست و چه كساني متولي آن هستند و چه كارهايي بايد انجام دهند؟

پيش‌دبستاني‌ها و مدارس ابتدايي پيش‌نياز هستند. ذهن بچه‌هاي كوچك را بايد آماده كرد. بايد به بچه‌ها گفت كه نيازمند الگوي شخصيتي هستند و ويژگي‌هاي اين الگوي شخصيتي هم شامل چه چيزهايي است. بايد چنين چيزي را در جامعه جا انداخت و بدين‌گونه فرزندان را تربيت كرد.

يعني بايد از پايه شروع كرد؟

بله همين‌طور است.

نكته خاصي هم مدنظرتان است كه بخواهيد مطرح كنيد؟

حضرت زهرا (س) بالاترين و باارزش‌ترين زني است كه در عالم بشريت مي‌شناسيم و جزو چهار زن برجسته عالم است و همراه آسيه و مريم و خديجه، برترين زن‌هاي جهان هستند. بايد بدانيم كه شهادت حضرت زهرا (س) هم بايد به مكتب حيات‌بخش و وحدت‌بخش اسلام كمك كند. بايد تلاش كنيم فضايل آن حضرت را توضيح دهيم و از اين شهادت به عنوان رمز وحدت در جهان اسلام استفاده كنيم تا خداي ناكرده تسليم مسائل اختلافي نشويم. شهادت حضرت زهرا (س) نبايد تبديل به جلسات ضربه زدن به وحدت امت اسلام تبديل شود، بلكه بايد مرز وحدت در اين مساله رعايت شود. اين شهادت همواره سيره بزرگان ما بوده است.

آيت‌ا... بهجت مي‌فرمودند كه در ايام شهادت حضرت زهرا (س) ويژگي‌هاي شخصيتي آن حضرت بيان شود. مقام معظم رهبري در روضه‌اي كه در منزل‌شان برگزار مي‌شود تلاش مي‌كنند تا خطبا در مورد فضايل آن حضرت صحبت كنند.

برش

بايد بدانيم كه شهادت حضرت زهرا (س) هم بايد به مكتب حيات‌بخش و وحدت‌بخش اسلام كمك كند. بايد تلاش كنيم فضايل آن حضرت را توضيح دهيم و از اين شهادت به عنوان رمز وحدت در جهان اسلام استفاده كنيم تا خداي ناكرده تسليم مسائل اختلافي نشويم.

منبع: مصاحبه روزنامه اعتماد با حجت الاسلام نواب